

## تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳

حسین فتاحی اردکانی<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۳۱

### چکیده

انتخابات ترکیه به پایان رسید و اردوغان در یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه مجدداً به عنوان رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شد. با توجه به نقش استراتژیک و ژئوپلیتیک این کشور اکنون مسئله این است که چه تغییری در راهبرد سیاست خارجی ترکیه ایجاد خواهد شد. تلاش ترکیه همواره بر این بوده است که با تأکید بر منافع ملی و تکیه بر دو بعد سیاست و اقتصاد جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را حفظ کند. ترکیه پس از اجرای سیاست تنش صفر با همسایگان و سیاست مداخله در امور داخلی برخی از همسایگان، در دوره جدید هر چه بیشتر به سمت راهبرد «همه‌جانبه‌نگری متعادل و متوازن» در سیاست خارجی خود روی آورده است. بنابراین با نگاهی به گذشته و تجربه حاصل از آن، سعی می‌کند مبتنی بر واقعگرایی و با دوری از تنش زایی راهبرد سیاست خارجی خود را سامان بخشد. این پژوهش با کاربست روش توصیفی تحلیلی و در قالب چارچوب نظری نواقعه‌گرایی به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳ چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اردوغان پس از کسب مجدد قدرت با اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر به دنبال ایجاد توازن در سیاست خارجی و اجرای اهداف بلند مدت خود برای تأمین منافع ملی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه است. در نتیجه، اردوغان در دوره جدید به دنبال پیگیری سیاست‌های پوپولیستی، گسترش روابط با کشورهای همسایه، ترمیم روابط با اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل و حفظ تظاهر به بیطرفی در جنگ بین روسیه و اوکراین خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، ترکیه، خاورمیانه، نواقعه‌گرایی، منافع ملی.

۲۶۹



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

\* نویسنده مسئول: h-fattahi@ardakan.ac.ir

## مقدمه

ترکیه را می‌توان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار منطقه استراتژیک<sup>۱</sup> خاورمیانه قلمداد کرد. این کشور وارث امپراطوری عثمانی و مدعی قدرت منطقه‌ای حال حاضر در این ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> حساس خاورمیانه است. با ظهور اردوغان و قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه در صحنه سیاسی این کشور، ترکیه دچار یک جهش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شد. اردوغان همواره به دنبال تقویت قدرت منطقه‌ای این کشور و تبدیل کردن آن به یک قدرت تأثیرگذار در محیط بین‌المللی بوده است. این کشور تحت تأثیر برخی از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و تعارض منافی که با همسایگان خود دارد در یک دوره‌ای سیاست تنش صفر با همسایگان را در پیش گرفت تا بتواند به یک موقعیت متوازن در سطح منطقه دست پیدا کند، اما با ظهور داعش و ایجاد بحران برای کشورهای سوریه و عراق سیاست تنش‌زایی و دخالت در امور داخلی این کشورها را در پیش گرفت تا بتواند دست برتر را در منطقه داشته باشد. با افول قدرت داعش ترکیه مجدداً به سمت سیاست کاهش تعارضات و حل کردن پرونده‌های منطقه‌ای خود با همسایگان تغییر موضع داد که نمونه‌های آن را در ابراز تمایل برای رفع اختلافات با مصر، عربستان و امارات می‌توان مشاهده کرد. همچنین با عدم پیروی از تحریم‌های آمریکا بر علیه ایران سعی کرد نظر مثبت ایران را به خود جلب کند و در نهایت اینکه برخی از اقدامات را برای بستن پرونده اختلافات با سوریه در دستور کار قرار دهد. این کشور به دنبال این است که با به کارگیری همه ابزارهای موجود و اتخاذ رویکرد راهبرد همه‌جانبه‌نگری متعادل و متوازن در سیاست خارجی خود و اتخاذ یک دیپلماسی مؤثری که جهانی‌نگاه می‌کند و جهانی می‌اندیشد به اهداف خود دست پیدا کند. مرور تاریخ سیاست خارجی این کشور در دو دهه گذشته نشان از بخشی‌نگری (گاهی تمایل به غرب و گاهی تمایل به شرق) و فراز و نشیب در این حوزه دارد به طوری که همه‌جانبه‌نگری برقراری تعادل و توازن در راهبرد سیاست خارجی این کشور در راستای دست‌یابی به اهداف منطقه‌ای لازم و ضروری به نظر می‌رسد. به لحاظ تقدم و تأخر لازم است با توجه به تغییراتی که در سطح منطقه و محیط بین‌المللی بعد از جنگ سرد ایجاد شد، ترکیه ابتدا به بازیابی

<sup>۱</sup> - Strategic

<sup>۲</sup> - geopolitics

هویتی خود در منطقه و سپس جهان بردارد. ترکیه باید نقش و جایگاه خود را تعریف و سپس اقدام به اتخاذ راهبرد مناسب برای اجرای سیاست خارجی خود کند. تغییرات مداوم محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است که وضعیت راهبردی سیاست خارجی این کشور نیز در وضعیت تغییر قرار گیرد. از سوی دیگر رویکردها و رفتارهای این کشور در حوزه سیاست خارجی به قدری فعال و پویاست که یافتن راهبرد اصلی سیاست خارجی این کشور و ارزیابی آن را مشکل می‌نماید. این تحولات را باید در چارچوب مفروضات نظریه واقع‌گرایی و تفسیرهای جدید بعدی از این نظریه تبیین کرد. مفروض اصلی این نظریه این است که در شرایط تغییرات مداوم محیط بین‌المللی بازیگران نگاهی واقع‌بینانه به خود و پویای محیط بین‌المللی دارند. به خصوص در منطقه خاورمیانه بعد از تغییر محیط بین‌المللی از چند قطبی به تک قطبی این مسئله بروز کرد. در این تغییر بزرگ کشورهای منطقه و از جمله ترکیه فرصتی پیدا کردند تا نگاهی مستقلانه به راهبرد سیاست خارجی خود داشته باشند و مستقلانه عمل کنند. در انتخابات ۲۰۲۳ اردوغان با این کارنامه در حوزه سیاست خارجی مجدداً توانست رأی مردم ترکیه را برای دومین دوره ریاست جمهوری خود به دست آورد. برخی معتقدند که سیاست تنش‌زدایی سال گذشته ترکیه در حوزه سیاست خارجی تاکتیکی انتخاباتی برای کسب پیروزی در صندوق‌های رای بوده است. ضمن اینکه اقدامات ترکیه در منطقه (علی‌رغم اختلاف نظر دو کشور در پرونده سوریه، عراق و کردها) در یک هماهنگی نانوشته با آمریکا به عنوان هم پیمان آن کشور در ناتو و یکی از متحدین آن کشور در خاورمیانه بوده است. بنابراین هدف اردوغان اقدامات در سال قبل از انتخابات ۲۰۲۳، ایجاد فضایی آرام در داخل و منطقه برای پیروزی مجدد در ریاست جمهوری بوده است. پژوهش حاضر با کاربرت روش توصیفی تحلیلی و در قالب چارچوب نظری نواقع‌گرایی به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳ چیست؟ ذکر این نکته لازم است که تغییرات چرخشی و پاندولی در سیاست خارجی این کشور امری مسبوق به سابقه بوده است و بر همین اساس به نظر می‌رسد که اردوغان در دوران جدید نیز بر همان سیاست‌های قبل از انتخابات البته با تاکتیک‌های جدید تأکید کرده و برای دستیابی به آنها تلاش کند. شاید در این راه



تاکتیک‌ها جدید و تازه شوند، اما راهبرد سیاست خارجی این کشور تغییر چندانی را به خود نخواهد دید و اردوغان سعی می‌کند با کارت‌های مختلفی که در داخل و منطقه در اختیار دارد به اهداف راهبردی خود برای کشور رنگ واقعیت ببخشد. بر همین اساس فرضیه طراحی شده برای سؤال پژوهش این است که اردوغان پس از کسب مجدد قدرت به دنبال «همه‌جانبه‌نگری متعادل و متوازن» در سیاست خارجی و اجرای اهداف بلند مدت خود برای تأمین منافع ملی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه است. در نتیجه، اردوغان پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۲۳ به دنبال پیگیری سیاست‌های پوپولیستی، گسترش روابط با کشورهای همسایه، ترمیم با روابط اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل و حفظ تظاهر به بیطرفی در جنگ روسیه و اوکراین خواهد بود. مقاله حاضر در بخش‌های زیر ارائه شده است: بخش اول شامل پیشینه داخلی و خارجی پیرامون موضوع پژوهش است. در بخش دوم به روش پژوهش اشاره شده است. در بخش سوم چارچوب نظری نوآفرینی توضیح داده شده است. در بخش چهارم بحث و یافته‌های پژوهش ذکر شده و در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری شده است. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها نیز اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این روش آمار، اطلاعات و داده‌های مرتبط جمع‌آوری، ارزیابی و انتخاب شده و در نهایت با تحلیل داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش نتایج آن استخراج می‌شوند.

#### ۱. پیشینه پژوهش

گل محمدی (۱۴۰۱) در مقاله «بحران در روابط فرآتلانتیکی و ظهور اورآسیاگرایی در سیاست خارجی ترکیه» با بررسی نظام‌مند سیاست خارجی ترکیه معتقد است که بازتوزیع قدرت و ثروت بین‌المللی با ظهور قدرت‌ها و نهادهای شرقی در ساختار حکمرانی جهانی، بحران در روابط فرآتلانتیکی، الزامات راهبردی ژئوپلیتیک در حال تغییر منطقه‌ای به ویژه محیط پیرامونی ترکیه، و پویایی‌های سیاست داخلی به‌ویژه بعد از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، آنکارا را به سمت چندجانبه‌گرایی و تنوع‌بخشی به ایده‌های ژئوپلیتیک سوق داده است.

مشفق (۱۴۰۱) در مقاله «نگاهی بر ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی در کشور ترکیه» با اشاره به جایگاه مهم دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی این کشور معتقد است مهم‌ترین وجه دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سه اقدام مهم یعنی ۱- به‌کارگیری دیپلماسی منطقه‌ای بر مبنای عمق استراتژیک و رسیدن به مشکل صفر با همسایگان، ۲- بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی و تاجران در سفرهای مقامات در راستای استفاده از تخصص و راهنمایی‌ها و ۳- عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و سیاسی و تلاش برای تشکیل سازمان‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی خلاصه می‌شود. عرف و قرشی (۱۴۰۱) در مقاله «دیپلماسی عمومی ترکیه در مناطق پیرامونی: از فضای سایر تا برندسازی» با اشاره به ورود ترکیه به حوزه دیپلماسی عمومی برای اثرگذاری بر نقاط پیرامونی معتقدند که ترکیه به طور ویژه از ۲۰۱۰ به بعد با اولویت‌بندی زمانی در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت از ابزارهای دیپلماسی عمومی متعددی استفاده کرده است. این کشور از ظرفیت‌های رسانه‌ای و سایبری در کوتاه مدت؛ از روابط مردمی، شرکت‌ها، سمن‌ها و دیاسپورا در میان مدت؛ و از دیپلماسی فرهنگی و برندسازی در بلندمدت بهره برده است.

سمیعی اصفهانی و فرحمند (۱۴۰۱) در مقاله «اردوغانیسم، پوپولیسم به مثابه «استراتژی سیاسی»» با اشاره به روند تبدیل حزب عدالت و توسعه از یک حزب سیاسی شبه دموکراتیک محبوب به یک حزب پوپولیستی طرد کننده معتقدند که اردوغان در یک دهه گذشته با تکیه بر ابزارها و موقعیت‌های پوپولیستی مانند؛ وضعیت خارجی بازیگر سیاسی، جاذبه ضد تشکیلات، پیوندهای شخصی، بسیج سازمان‌نایافته و... از پوپولیسم به مثابه «پروژه‌ای سیاسی برای ساخت و حفظ قدرت» خود و حزبش به طرز هنرمندانه- ای بهره گرفته است.

چیف‌تچی<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در مقاله «قدرت نظامی: توضیح اقتصاد داخلی از سیاست خارجی ترکیه» معتقد است که سیاست خارجی ترکیه به سمت نظامی‌گری چرخیده است. نویسنده با توجه به نظریه هویت و نظام بین‌المللی توضیح می‌دهد که ثروت ملی، جهش در صنایع دفاعی، اتحاد بورژوازی محافظه‌کار و اسلام‌گرایان سیاسی از محرک‌های اصلی

<sup>۱</sup> - Ciftci, S.

این مسئله بوده است. این چرخش نظامی در سیاست خارجی در راستای تقویت منافع ملی و منافع اقتصادی این کشور صورت گرفته است.

کاراکا و کاکسال<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در مقاله «تحلیل سیاست خارجی ترکیه در سوریه: دیدگاه رئالیستی نئوکلاسیک» معتقدند که ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سال ۲۰۱۱ به خاطر منفعی که داشت وارد بحران سوریه شد. در ادامه اشاره می‌کند که چهار عامل تصویر رهبری، فرهنگ استراتژیک، روابط دولت و جامعه و مجلس ملی و ارتش ترکیه از عوامل اصلی شکل‌دهی دخالت ترکیه در بحران سوریه بوده است.

آکای و دمیراوغلو<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) در مقاله «دیپلماسی مهاجرت به عنوان یک ابزار سیاست خارجی در ترکیه: یک تحلیل مقایسه‌ای» با اشاره به مهاجرت به عنوان یک موضوع مهم اجتماع بشری در طول تاریخ معتقد است که ترکیه با توجه به جایگاه ترکیه به عنوان یک کشور مهاجرپذیر، این کشور سعی نموده است تا همواره از پدیده مهاجران بین‌المللی به این کشور به عنوان یک ابزار مهم سیاست خارجی استفاده کند. در ادامه نویسنده معتقد است که ترکیه از دیپلماسی مهاجرات به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات با غرب استفاده می‌کند و از سوی دیگر موجب افزایش قدرت نرم این کشور نیز شده است.

هان<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) در مقاله «تغییرات در درک ترکیه از مناطق بین‌المللی و دلایل اصلی» معتقد است که در طول تاریخ ترکیه در حوزه روابط بین‌المللی همواره دو درک از گرایش به غرب و گرایش به شرق وجود داشته است. اما در حال حاضر این کشور با توجه به منافع ملی و ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخ، قومیت، مذهب و زبان، خود را در مسیر تبدیل شدن از قدرت منطقه‌ای به قدرت جهانی می‌بیند. اما این کشور به اندازه کافی برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی قوی نیست و ممکن است در آینده با مشکلاتی روبرو شود.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، مهمترین خلأی که احساس می‌شود تکیه آنها بر ابعاد و راهبردهای مختلف سیاست خارجی ترکیه در رابطه با منطقه و محیط بین‌المللی

<sup>۱</sup> - Karaca, B. B., & Köksal, B.

<sup>۲</sup> - AKÇAY, E. Y., & DEMIRCIÖGLU, F.

<sup>۳</sup> - Han

است. پژوهش‌های صوت گرفته نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی درباره موضوع حاضر در داخل کشور و در منابع فارسی صورت نگرفته است. پژوهش‌های صورت گرفته عمدتاً به زبان انگلیسی و بیشتر ناظر به بعد خاصی از راهبرد سیاست خارجی ترکیه در دوران اخیر می‌باشد. نوآوری این پژوهش این است که سعی کرده داده‌های به روز و جدید را درباره تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه بعد از انتخابات ۲۰۲۳ ارائه کند که طبعاً در پژوهش‌های قبلی این مسئله به لحاظ حیطه زمانی پژوهش موضوعیت نداشته است. از سوی دیگر تغییر و تحولات در منطقه خاورمیانه آنقدر سریع و پویا است که می‌طلبد پژوهشگران نیز در این حوزه به جدیدترین تحلیل‌ها را از روند تغییر و تحولات را ارائه نمایند.

## ۲. چارچوب نظری: نظریه نوواقعگرایی

نظریه واقع‌گرایی و مجموعه نظریاتی که به واسطه پویایی این نظریه از آن منشعب شده‌اند بهتر از دیگر نظریات موجود می‌توانند تبیین‌کننده جو حاکم بر نظام بین‌المللی و مناسبات موجود میان بازیگران آن باشند. بر این اساس دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در نظام آنارشیک<sup>۱</sup> بین‌المللی همواره به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود هستند. تغییر در نظام بین‌الملل و عبور از ساخت تک قطبی به چند قطبی بیش از هر زمان دیگری جهان و بازیگران ملی و فراملی آن را به واقعگرایی نزدیک کرده است. این دوران را باید به واقع، دوران گذار به واقعگرایی دانست، هر چند قدمت عملی این نظریه به عمر دولت و دیگر بازیگران نظام بین‌المللی بر می‌گردد. واقعگرا شدن محیط بین‌المللی دولت‌ها را به سمت خودیاری برای حفظ خود و منافع ملی‌شان سوق می‌دهد. به این معنی که دولت‌ها از هر ابزاری برای حفاظت از خود و منافعشان استفاده می‌کنند. کوهن<sup>۲</sup> معتقد است که تلاش برای ساخت یک نظریه در روابط بین‌الملل با تأکیدی واقعگرایانه بر قدرت و دولت آغاز می‌شود (Viotti & Kauppi, 1999: 428). در واقع دولت‌ها با تکیه بر قدرت و ابزارهای وجودی آن به دنبال تثبیت و به رسمیت شناختن هویت خود در محیط بین‌المللی هستند و همانگونه که الکساندر ونت<sup>۳</sup> می‌گوید «هویت‌ها مبنای منافع

<sup>۱</sup> - anarchic

<sup>۲</sup> - Kuhn

<sup>۳</sup> - Alexander Wendt



هستند<sup>۱</sup>. والتز<sup>۱</sup> به عنوان مبدع نظریه نوواقعگرایی، با تفاوت گذاری میان نظریه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی معتقد است که نظریه سیاست خارجی تلاش می‌کند تا علل زیربنایی رفتارهای سیاسی متفاوت دولت‌هایی با قابلیت‌های مادی مشابه را کشف کند (Waltz, 1996: 54). در نگاه واقعگرایی ساختارگرا، قدرت‌ها در استفاده از منابع دیگر کشورها به ساختار بین‌المللی هم توجه می‌کنند؛ برای مثال در فضای دوقطبی، آمریکا و شوروی به عنوان بازیگران اصلی محیط بین‌المللی برای برداشت منابع غنی مناطقی مثل خاورمیانه با یکدیگر رقابت سنگینی داشتند. اما بعد از پایان نظام دوقطبی و به واسطه ایجاد خلأ قدرت در مناطقی مانند قفقاز جنوبی زمینه برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه فراهم شد (Mohapatra, 2017). در واقع، ساختار نظام بین‌المللی با اثرگذاری بر هویت دولت‌ها، تعیین‌کننده بخش از رفتارها، ایستارها و اهداف سیاست خارجی آنها می‌باشد (Rezaei, 2008: 95). به عقیده والتز منظور از ساختار ترتیب یا نظم نهادهای سیاسی و مجموعه‌ای از شرایط محدودکننده‌ای است که رفتار دولت‌ها را محدود می‌کند (Moshirzadeh, 2015: 115). وی اشاره می‌کند که نظام بین‌الملل ساختار مشخصی دارد که در آن باید سه اصل نظم‌دهندگی، مشخصه واحدهای موجود در نظام و توزیع توانایی میان آنها را در نظر گرفت. در نظام آنارشیک<sup>۲</sup> بین‌المللی توانایی‌ها به صورت نابرابر میان بازیگران توزیع شده است و این مسئله موجب نگرانی بازیگران نسبت به دستاوردهایشان در برابر دیگر بازیگران است. بنابراین در این شرایط مسئله این نیست که بازیگران چه دستاوردی کسب می‌کنند، بلکه مسئله مهم این است که در رویارویی که با هم دارند کدام یک دستاورد بیشتری خواهد داشت؟ به عبارت دیگر برای یک بازیگر دستاوردهای نسبی مهم‌تر از دستاوردهای مطلق برای اوست (Waltz, 1979: 81-105). والتز سرشت و جوهر ساختارها را در سه طیف مفهوم بندی می‌کند:

۱- اصول سامان بخش: یعنی اصولی که ساختارها بر اساس عناصر آن سامان یافته‌اند و مشخص‌کننده این هستند که آیا عناصر در یک رابطه برابر با یکدیگر قرار دارند یا در رابطه‌ای بالاتر و پایین‌تر هستند.

<sup>1</sup> - Waltz

<sup>2</sup> - Anarchic order



۲- متفاوت و متنوع بودن واحدها: یعنی با وجود تنوعی که بین واحدها در نظام بین-الملل وجود دارد، اما به لحاظ کارویژه همه آنها مشابه یکدیگر بوده و به دنبال افزایش قدرت برای تضمین بقا و امنیت خود می‌باشند.

۳- توزیع توانمندی‌ها: یعنی منابع مادی قدرت در نظام بین‌الملل تا چه اندازه متمرکز هستند. دولت‌هایی که سهم بیشتری از این منابع مادی قدرت دارند با عنوان قطب‌های نظام خوانده می‌شوند (Haji Yousefi, 2002: 1016-1014 and Amini and Zabih, 2011: 105). بر خلاف نظر والتز، مرشایمر<sup>۱</sup> معتقد است که دولت‌ها سعی می‌کنند با حفظ حداکثر قدرت خود در برابر دیگر دولت‌ها برای حفظ ابزار و وسایل دفاع از خود، تلاش می‌کنند تا در فضای هرج و مرج زنده بمانند (Haiderzadeh et al., 2019: 195). اندرو کید<sup>۲</sup> با برجسته سازی انگیزه دولت‌ها و با اشاره به منطق هابزی<sup>۳</sup> تشکیل دولت معتقد است که در محیط آنارشیک بین‌المللی دولت‌ها به دنبال تأمین امنیت هستند، اما تنها انگیزه آنها امنیت برای بقا نیست بلکه انگیزه‌های دیگری هم برای آنها وجود دارد که «چیرگی» یکی از آنها است و در این حالت است که ممکن است دولت‌ها بیش از آنچه که برای تأمین امنیت خود نیاز دارند طلب کنند (Kydd, 2007: 18).

این مفهوم به معنای تلاش برای رقابت هر چه بیشتر در حداکثر سازی قدرت خود و ناتوان سازی رقیب در محیط بین‌المللی است که نتیجه آن افول سطح همکاری و شکل‌گیری مناسبات بر اساس رقابت و تنش‌زایی خواهد بود. هر چند در نظریه نواقعه‌گرایی دولت‌ها به دنبال موازنه قوا از مسیر همکاری هستند، اما همکاری‌ها نیز برای پایه بی-اعتمادی و نگاه به افزایش قدرت خود در برابر دیگر بازیگران شکل می‌گیرد. بر همین اساس دولت‌ها شدیداً به دنبال موازنه قوا در برابر یکدیگر هستند که برای دستیابی به این مطلوب حتی به راه انداختن جنگ و تقویت نیروی نظامی نه برای تغییر و برهم زدن وضع موجود بلکه برای حفظ وضع موجود می‌تواند مفید باشد (Waltz, 1979: 190). از سوی دیگر نواقعه‌گرایی به ترجیحات داخلی بر سیاست خارجی دولت‌ها توجه می‌کند و معتقد است متغیرهای میانجی مانند ادراک رهبر، فرهنگ استراتژیک،

<sup>1</sup> - Mearsheimer, John

<sup>2</sup> - Kydd

<sup>3</sup> - Hobbes

روابط بین دولت و جامعه، سازمان‌های سیاسی داخلی و محدودیت‌های اقتصادی داخلی بر راهبرد سیاست خارجی دولت تأثیرگذار هستند. (Ripsman et al., 2016: 33-34).

### ۳. بحث و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱. پیگیری سیاست‌های پوپولیستی

اردوغان یکی از زیرک‌ترین رهبرانی است که از توانایی بالایی در تهییج و تحریک احساسات توده‌ها برخوردار بوده و توانسته از این هنر برای پیشبرد اهداف داخلی و خارجی خود استفاده کند. بر اساس اعلام «مرکز داده‌های پوپولیسم<sup>۱</sup> جهان»، اردوغان یکی از رهبران با درجه «بسیار پوپولیستی» ارزیابی گردیده است (Samiei Esfahani and Farahmand, 2022: 168). رفتارها و عملکرد اردوغان نشان می‌دهد که وی توانسته است از پوپولیسم به عنوان یک راهبرد مؤثر برای حفظ بقای خود و حزب مطبوعش در صحنه قدرت استفاده کند. وی از این راهبرد برای کوبیدن مخالفین، بسیج توده‌ها، فرار از شفافیت و پاسخگویی، سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی و خارجی، فرافکنی و دوقطبی سازی استفاده می‌کند. مثلاً در دوران تبلیغات انتخاباتی، خود را شدیداً مخالف همجنس‌گرایی و طرفدار ارزش‌های خانواده‌گی و دینی نشان داد (Cook, 2023). او استاد ترکیب عناصری از سیاست هویت، مفاهیم ملی‌گرایانه و محافظه کاری برای همراه کردن توده‌ها با خود و چهره‌ای شیطانی بخشیدن به مخالفان خودش است. اردوغان و حزب عدالت و توسعه او توانسته‌اند از طریق اعطای کمک‌های غیر نقدی، برنامه‌های رفاه اجتماعی و مناقصه‌های شهری یک سیستم حمایتی را در شهرهای مورد نظر خود ایجاد کنند. این مسئله به آنها کمک کرده است تا شبکه‌ای از حامیان و طرفداران خود را ایجاد کنند که از نظر سیاسی به حزب عدالت و توسعه وفادار هستند. حزب عدالت و توسعه این مدل را در تمام کشور ایجاد نموده به طوری که برخی از تحلیل‌گران این مدل را بیشتر شبیه یک شبکه اجتماعی می‌دانند تا حزب سیاسی (Coşkun, 2023). حزب عدالت و توسعه مدل جدیدی از دولت اجتماعی را ایجاد کرده است. در این مدل سیاست‌های انتقال ثروت به ویژه برای گروه‌های کم درآمد به دقت مدیریت شد، رفاه بین بخش‌های مختلف اجتماعی توزیع شد، بیشتر خدماتی بهداشتی و بیمارستانی

<sup>۱</sup> - Populisme

رایگان شد، مسکن ارزان قیمت با اقساط بلند مدت برای اقشار کم درآمد فراهم شد، کتاب‌های درسی به صورت رایگان در اختیار دانش آموزان قرار گرفت، کمک‌های اجتماعی در اختیار محرومان قرار گرفت و همچنین پرداخت دستمزدهای منظم و خدمات مراقبت در منزل برای بیماران و معلولان تقویت شد (Beriş, 2023: 131). از سوی دیگر در حالی که این کشور از سال ۲۰۱۸ با وارد یک بحران ارزی شده است، اردوغان شدیداً با اقدام بانک مرکزی برای افزایش نرخ بهره در راستای کاهش تورم و جلوگیری از سقوط بیشتر ارز قاطعانه مخالف می‌کند. او نگران است که افزایش نرخ بهره فشار بیش از اندازه‌ای را بر طبقه متوسط که از حامیان اصلی و پایگاه اجتماعی او در سیاست داخلی هستند وارد کند (Cook, 2023). به نظر می‌رسد اردوغان توانسته است تا حد زیادی مردم را قانع کند که مشکلات اقتصادی را حل خواهد کرد و از این طریق ضمن جلوگیری از ایجاد آشفتگی اجتماعی حمایت مردمی و به خصوص طبقه متوسط جامعه ترکیه را تصاحب کند. اقدام مهم دیگر اردوغان تأکید بر ناسیونالیسم ترکی است. بر این اساس در سال ۲۰۲۱ «شورای همکاری کشورهای ترک زبان» که در سال ۲۰۰۹ تشکیل شده بود به «سازمان کشورهای ترک زبان» تبدیل شد. اردوغان از دو مفهوم «بومی» و «ملی» برای تقویت ملی‌گرایی مورد نظر خود استفاده می‌کند. این دو مفهوم در واقع نشان دهنده درک اردوغان از مفهوم ناسیونالیسم است (Beriş, 2023: 134).

### ۲-۳. گسترش روابط با کشورهای همسایه

داوود اوغلو معتقد بود که ترکیه باید نقش پررنگ‌تری در منطقه خاورمیانه و قفقاز داشته باشد (Perthes, 2010: 2). بر همین اساس ترکیه تاکنون نقش‌های مختلفی را در منطقه ایفا کرده است. از یک رهبر طبیعی منطقه تا برادر بزرگ تاریخی و حامی کشورهای اسلامی (Soner, 2014: 7). همچنین در پرونده هسته‌ای ایران نقش میانجی و تسهیل کننده را ایفا کرده است (Arne et al, 2019). در راستای سیاست تنش‌زدایی و نشان دادن چهره‌ای متعادل از ترکیه، اردوغان به دنبال جلب همکاری و دوستی با همسایگان خود است. اردوغان برای اجرای راهبردهای اقتصادی و سیاسی خودش نیاز دارد که از حمایت شرکا و متحدین منطقه‌ای خود برخوردار باشد. به همین جهت اولین سفر



خارجی خود پس از انتخابات ۲۰۲۳ را به ترتیب برای کشورهای عربستان، قطر و امارات در نظر گرفته است تا بتواند از کمک و سرمایه‌گذاری آنها در ترکیه برخوردار باشد.

### ۳-۲-۱. ایران

روابط ترکیه و ایران پیوسته اما پر فراز و نشیب بوده است. با توجه به اینکه هر دو کشور در جایگاه قدرت منطقه‌ای قرار دارند در حوزه‌های اعمال قدرت با یکدیگر برخورد دارند، اما این برخوردها هیچ‌گاه سخت نبوده بلکه از نوع نرم و هوشمندانه بوده است. ترکیه در مسایلی مانند نظم منطقه‌ای، رهبری منطقه‌ای و امنیت منطقه‌ای در رقابت با ایران قرار دارد (Pirmohammadi et al., 2021: 194). در جریان بحران سوریه، بر خلاف ترکیه که به دنبال حذف بشار اسد و تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران بود، ایران با حمایت از بشار اسد عملاً در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه قرار گرفت و در نهایت ترکیه نتوانست به هدف خود برسد. در واقع ترکیه بحران سوریه را بهترین موقعیت برای کنار زدن ایران به عنوان رهبر محور مقاومت در نقش رهبری منطقه و جایگزین کردن خود می‌دانست. از سوی دیگر همکاری‌های دو کشور در رفع اختلافات و ترتیبات امنیت منطقه‌ای نیز قابل توجه است. ترکیه به لحاظ انرژی به واردات گاز از ایران وابسته است (Kuru, 2015: 108-109) و ایران نیز از کمک ترکیه برای دور زدن تحریم‌های آمریکا استفاده می‌کند. این مسایل باعث شده است تا جدای از بحران سوریه دو کشور روابط باثبات خود را در راستای نافع ملی حفظ نمایند. هدف ترکیه این است که تا سال ۲۰۲۳ این کشور را در در میان ۱۰ اقتصاد برتر جهان جای دهند (Huseynov, 2017: 337) که این مهم با توجه به رشد روزافزون انرژی در ترکیه بدون در نظر گرفتن صادرات انرژی ایران به این کشور امکان‌پذیر نیست. بر این اساس ترکیه هیچ‌گاه روابط راهبردی خود را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی با ایران در معرض خطر قرار نخواهد داد.

### ۳-۲-۲. سوریه

در حالی که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ روابط ترکیه و سوریه در راستای همکاری و تنش‌زدایی صورت گرفته بود، با ظهور داعش و بحران در سوریه، موضع ترکیه نیز تغییر

مهمی پیدا کرد. با توجه به سیاست خارجی ترکیه مبنی بر همسویی با نظم حاکم بر محیط بین‌المللی و پیروی از هنجارهای قدرت‌های مسلط جهانی، این کشور وارد بحران سوریه شد (Isyar, 2017). تا قبل از این، دو کشور در مسئله کردها، تقسیم آب رود دجله و فرات و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای (Khoury, 1987: 6206) با هم مشکلاتی داشته‌اند که بحران داعش در سوریه باعث شعله‌ور شدن این تعارضات قدیمی شد. شرایط جدید منطقه و محیط بین‌المللی باعث شد تا ترکیه در یک چرخش جدید به دنبال تغییر بشار اسد در راستای دست‌یابی به منافع منطقه‌ای خود باشد. سقوط بشار اسد این فرصت را به ترکیه می‌داد که بتواند با حمایت از مخالفان سوریه ضمن تضعیف نقش ایران و عراق در منطقه، اهداف خود را در قسمت شمال سوریه که جولانگاه گروه‌های شبه نظامی کرد (ی پ گ) که ترکیه که آنها را تروریستی می‌خواند دنبال کند. اما ترکیه نه تنها به این هدف نرسید بلکه کردها که تا سال ۲۰۱۲ تقریباً ۹ درصد از مساحت سوریه را تحت سلطه و تصرف خود داشتند، این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۱۴ درصد افزایش پیدا کرد (Dencer & Hecan, 2016: 10).

در واقع، بنا به دلایلی مانند مقاومت بشار اسد، ورود روسیه به بحران و حمایت ایران و محور مقاومت از سوریه و ایستادگی در برابر ترکیه این کشور را از رسیدن به هدف خود باز ماند. از سوی دیگر، بحران سوریه باعث شد که اردوغان برای دست‌یابی به رؤیای نعثمانی‌گری خویش سوریه را دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی بداند که از طریق آن ترکیه می‌تواند موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد (Niakooee and Behmanesh, 2011: 128). با افول داعش و بقای حکومت بشار اسد و ناکامی ترکیه در رسیدن به اهداف منطقه‌ای خود، اکنون ززمه‌هایی مبنی بر از سرگیری روابط با سوریه از سوی ترکیه آغاز شده است. در واقع پس از شکست سیاست‌های اردوغان در سوریه، بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۶ حمایت مردم از حزب عدالت و توسعه کاهش یافت. در سال ۲۰۱۳ حمایت مردمی ۲۵/۱ درصد بود که در سال ۲۰۱۶ به ۲۳/۸ درصد کاهش پیدا کرد (Kadir Has Üniversitesi, 2019). علت نارضایتی مردم هم بیشتر به واسطه هجوم بی‌رویه مهاجران سوری به ترکیه و مشکلات اقتصادی و امنیتی ناشی از آن دانست (Karaca et al, 2022: 51). بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان



ملل، ترکیه با پذیرش ۳/۸ میلیون نفر از مهاجران، بزرگترین کشور مهاجر پذیر محسوب می‌شود. این مسئله موجب نگرش منفی مردم به حکومت شده و به بحث داغ میان مردم و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در ترکیه تبدیل شده است. اردوغان سعی کرده است که در مقابل احزاب و گروه‌های مخالف حضور مهاجران، با تأکید بر روحیه بشردوستانه این کشور به شیوه‌ای اقناعی با آنها گفتگو کند. این مسئله باعث افزایش قدرت نرم ترکیه در جهان شده و در نتیجه قدرت نفوذ این کشور را توسعه داده است (Beriş, 2023: 129). اردوغان به دنبال این است که با برقراری مجدد ارتباط با سوریه بتواند هم راه خروج مهاجرین به وطنشان را فراهم کند و هم بتواند با تهدیدات تروریستی که از سوریه سرچشمه می‌گیرند مبارزه کند (Coşkun, 2023).

### ۳-۲-۳. عراق

ترکیه با عراق همسایه و هم مرز است، بنابراین تغییر و تحولات این کشور برای ترکیه مهم و حیاتی است. مهمترین دغدغه ترکیه قدرت‌گیری کردها در شمال عراق و ترس از تشکیل یک دولت مستقل کردی در این ناحیه است. بحران اصلی به واسطه حمله آمریکا به عراق، سقوط صدام و ظهور ناسیونالیسم کردی بود که بر روابط ترکیه و عراق تأثیر منفی گذاشت (Yıldırım, 2023: 28). با توجه به توسعه بحران سوریه، اردوغان نشان داده است که سیاست مشت آهنین در برابر اقدامات گروه‌های تروریستی را در راهبرد سیاست خارجی خود ادامه خواهد داد. اردوغان مبارزه و سرکوب گروه تروریستی پ.ک.ک در شمال عراق و منطقه سنجار را بخشی از راهبرد دفاع از استقلال ترکیه می‌داند و می‌گوید «ما هر جا لازم است از استقلال خودمان دفاع می‌کنیم، اکنون این مکان در موصل است پس ما در موصل خواهیم بود» (Hurriyet, 2016). اما برخی معتقدند که این اقدامات اردوغان ناشی از تفکرات توسعه طلبانه وی و ریشه در تفکر نوعثمانیسم او دارد، به طوری که قبلاً در سال ۲۰۰۵ اردوغان موضوع حاکمیت تاریخی ترکیه بر کرکوک را اعلام کرده بود (Pashang and Zomorodi, 2013: 487). همچنین او رد پاسخ به منتقدان حضور نظامی ترکیه در نینوی گفت «آنها باید میثاق ملی را بخوانند... موصل جزئی از ما بوده و هست» (Bashir, Al-Hafriat, 2016). از سوی دیگر ترکیه با توجه به اقتصاد رو به رشد خود و محدودیت‌های انرژی، به دنبال دستیابی به منابع نفت و گاز

شمال عراق است که اکتشاف آنها برای اولین بار توسط شرکت نفت ترکیه در شمال عراق صورت گرفت (Adib,2013: 48).

### ۳-۳. ترمیم روابط با اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل

#### ۳-۳-۱. اتحادیه اروپا

نگاه ترکیه به اروپا نمایانگر ویژگی‌های این اتحادیه مهم است. به نظر می‌رسد در اروپا نوعی ابهام در رابطه با آینده، هویت و میزان و دامنه گسترش آن وجود دارد. از دید ترکیه اروپا نماینده یک قدرتی است که از آینده و چند فرهنگی بودن خود مطمئن نیست. با این وجود ترکیه به دلایل تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی روابط قوی خود با اروپا را حفظ کرده است. شعار معروف آتاتورک که گفته بود «ما از شرق آمده‌ایم اما به سوی غرب می‌رویم» به عنوان مانیفست<sup>۱</sup> سیاسی این کشور همچنان بخش مهمی از آمال مردمان و نخبگان ترکیه محسوب می‌شود (Gohari Moghadam and Madadlo, 2016: 128). ترکیه از نظر تاریخی اروپا را به عنوان نماد تمدن مدرن در نظر گرفته است. ترکیه همچنان اروپا را یک شریک تجاری حیاتی برای خود می‌داند که نیمی از سرمایه‌گذاری خارجی این کشور را پوشش می‌دهد و هنوز به دنبال عضویت در این اتحادیه است (Walker, 2007: 35). برای ترکیه حفظ روابط مسالمت آمیز با غرب و اتحادیه اروپا مهم است. اردوغان در مناسبت‌های مختلف به این موضوع اشاره کرده است که روابط خود با اروپا و آمریکا را در راستای تنش‌زدایی مدیریت خواهد کرد و هم چنان برای پیشبرد مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا تلاش خواهد کرد (Aksan, 2020). از سوی دیگر ترکیه دارای سه انگیزه قوی برای تداوم حضور در ناتو دارد: انگیزه اول مسئله‌ای است که به پرستیژ ترکیه ارتباط دارد. به لحاظ تاریخی یکی از آرزوهای ترکیه پیوستن به اتحادیه اروپا و پیدا کردن یک شخصیت غربی می‌باشد. به طوری که این آرزو دارای یک پایگاه اجتماعی قدرتمند در میان مردم ترکیه است. انگیزه دوم به واسطه اعتبار و نفوذی است که ترکیه از عضویت در ناتو در سیاست بین‌الملل به دست می‌آورد. انگیزه سوم دارای ابعاد امنیتی است. عضویت ترکیه در ناتو نوعی سپر

<sup>۱</sup> - Manifesto

دفاعی در برابر دشمنان خارجی برای این کشور ایجاد می‌کند و یک ضمانت بالقوه و تمام عیار در مقابل رقبای خارجی محسوب می‌شود (Gol Mohammadi, 2021: 100).

### ۳-۳-۲. آمریکا

در حالیکه ترکیه یک کشور مسلمان بوده و برخی از گروه‌های سیاسی و مذهبی آن دارای احساسات ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی هستند، اما همواره از توازن و تعادل روابط خود با آمریکا دفاع کرده است. موضع‌گیری دیرهنگام و مبهم آمریکا در جریان کودتای ۲۰۱۶ ترکیه، عدم استرداد فتح‌الله گولن به ترکیه از سوی آمریکا علیرغم درخواست ترکیه و همچنین خرید سامانه‌های موشکی اس-۴۰۰ از روسیه توسط ترکیه علیرغم مخالفت آمریکا از بحران‌هایی بوده‌اند که در روابط بین دو کشور ایجاد شده‌اند اما هر دو طرف از تشدید این بحران‌ها جلوگیری کرده‌اند. ترکیه به این درک رسیده است که موقعیت استراتژیک آن در خاورمیانه نه به واسطه اسلامی بودن آن، بلکه به این دلیل است که یک کشور مسلمانی است که با آمریکا ارتباطات تنگاتنگی دارد و عضوی از ناتو می‌باشد. بر همین اساس ترکیه روابط خود را با اسرائیل نیز توسعه خواهد داد (Sahari et al, 2023: 9-10).

اهمیت این موضوع برای ترکیه برای تبدیل شدن به یک بازیگر تأثیرگذار جهانی است و نمی‌تواند بدون همکاری و مشارکت با آمریکا به این خواسته دست پیدا کند. حفظ روابط ترکیه با آمریکا را باید در قالب درک رهبران این کشور از نقش و جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل جستجو کرد. ایالات متحده علاوه بر تکیه بر مؤلفه‌های قدرت نرم برای حفظ صلح و امنیت، به یک ابرقدرت امنیت محور تبدیل شده است (ALIO, 2023: 49). جین<sup>۱</sup> معتقد است که ترکیه را می‌توان به عنوان یک «هژمونی<sup>۲</sup> منطقه‌ای وابسته» تلقی کرد، چرا که این کشور برای حفظ موقعیت و برتری منطقه‌ای خود به هژمونی جهانی و ارتباط خوب با سازمان‌های بین‌المللی وابسته است، در حالی که ایران را می‌توان «هژمونی منطقه‌ای خودمختار» دانست زیرا این کشور همواره بر هویت و پیشینه تاریخی خود متکی است (Jane, 2020: 26). ترکیه همچنان به عنوان یک تکه مهم

<sup>۱</sup> - Jane

<sup>۲</sup> - hegemony



از پازل امنیتی برای غرب محسوب می‌شود و بر همین اساس این کشور دارای تعهدات امنیتی به غرب و ایالات متحده می‌باشد (Briec,2013: 5).

### ۳-۳-۳. اسرائیل

روابط ترکیه با اسرائیل همواره تحت تأثیر و حمایت آمریکا بوده است. هر چند ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان و عضوی از جامعه اسلامی در زمره حامیان فلسطین قرار می‌گیرد، اما رفتارهای دوگانه این کشور در خصوص اقدامات اسرائیل تابعی از منافع ملی و اهداف اقتصادی و سیاسی این کشور است. اسرائیل نیز به خوبی این موضوع را درک کرده است که باید با اقدامات زیگزاگی ترکیه در روابط با خودش کنار بیاید. از سوی دیگر اسرائیل نیز به دنبال اهداف سیاسی و نظامی خود در منطقه است و ترکیه نیز به خوبی به این امر واقف است. در این میان آمریکا به عنوان ضلع سوم این مثلث ارتباطی شناخته می‌شود که نقش متعادل کننده را در روابط بین دو کشور ایفا می‌کند. برخی معتقدند که حفظ روابط با اسرائیل به واسطه نیاز ترکیه به کلیت موضوع رشد و توسعه روابط با غرب است، بنابراین این روابط همانند یک ابزار کاربردی برای ترکیه مطرح است (Haji Yousefi et al., 2011: 87). ترکیه در کنار روابط اشکار با اسرائیل با حماس نیز رابطه حسنه‌ای دارد و این مسئله می‌تواند برای ترکیه به عنوان مزیتی تلقی شود که این کشور کمتر به عنوان وابسته به غرب شناخته شود (Lindenstrauss,2014: 10-12).

### ۳-۴. حفظ تظاهر به بیطرفی در جنگ بین روسیه و اوکراین

بعد از فروپاشی شوروی سابق، روابط ترکیه و روسیه همواره در یک حالت دوستانه قرار داشته است به طوری که ترکیه به خاطر وابستگی به انرژی وارداتی از روسیه سعی کرده است تا حساسیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه را رعایت کرده و مدیریت کند. از سوی دیگر روسیه همچنان یک قدرت هسته‌ای جهانی و ترکیه یک قدرت منطقه‌ای و عضو ناتو است. پس از کودتای ۲۰۱۶ در ترکیه چرخش این کشور به روسیه و دوری از غرب آغاز شد. اوج این مسئله خرید سامانه های اس-۴۰۰ از روسیه و انتقاد شدید واشنگتن از ترکیه بود. این مسائل باعث شد تا برخی از ناظران غربی موضوع پایدار شدن اتحاد راهبردی میان روسیه و آنکارا را آغاز کنند (Haugom, 2019; Cook, 2018; Talbot, 2018; Erşen and Köstem, 2019). هر چند این موضوع مورد بحث

اندیشمندان بوده اما به نظر می‌رسد موقعیت‌ها و حساسیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، دو کشور را به سمت شراکت راهبردی هدایت کرده است. در واقع، فراتر از موضوعات خاورمیانه و مدیترانه، دو کشور در بسیاری از مسائل ژئوپلیتیکی همچون دریای سیاه، قفقاز و بالکان دارای اختلاف نظرهای جدی هستند. به همین دلیل بحث پیرامون روابط راهبردی دو کشور برای آینده نزدیک قدری زود است و باید به تحرک‌های واقع‌بینانه دو کشور در قالب واکنش‌های عملگراییانه رهبران در بحران‌های داخلی، محدودیت‌های ژئوپلیتیک در حال تغییر منطقه و اقتضائات جهان در حال پدید آمدن غربی ملاحظه کرد (Golmohammadi, 2021a: 371).

همچنین دو کشور در لیبی نیز با یکدیگر در حال رقابت هستند. ترکیه به دنبال این است که با استقرار پایگاه‌های هوایی مصراته و دریایی الوطیه در لیبی است تا از این طریق عمق استراتژیک خود را افزایش داده و نفوذ خود را در مدیترانه شرقی و شمال آفریقا توسعه دهد. در مقابل روسیه علی‌رغم اینکه حضور نظامی قوی در لیبی ندارد، سعی می‌کند با جلوگیری از توسعه عملیات نظامی ترکیه در لیبی نقش متوازن‌کننده‌ای را برای برقراری صلح بین گروه‌های درگیر در این کشور برقرار کند (Namini Mianaji, 2020). از سوی دیگر جنگ روسیه و اوکراین یکی از مهمترین دغدغه‌های ترکیه در حال حاضر است. ترکیه یک قدرت در حال توسعه منطقه اوراسیا است و نمی‌تواند نسبت به این تغییر بزرگ ژئوپلیتیک در منطقه بی‌تفاوت باشد. از سوی دیگر شناسایی سیاست این کشور در مقابل جنگ روسیه و اوکراین کار آسانی نیست. به عقیده دلای<sup>۱</sup> سیاست ترکیه در قبال این جنگ «طرفداری از کیف بدون اینکه آشکارا بر علیه موسکو باشد» است (Dalay, 2022).

در واقع در کنار سیاست نگاه به غرب، ایجاد توازن بین ابرقدرتها یکی از ارکان استراتژی کلان ترکیه است (Aydm, 2020). مشغول بودن روسیه در اوکراین قدرت این کشور را در مناطقی مثل خاورمیانه که هر دو کشور روسیه و ترکیه در آن درگیر هستند کاهش می‌دهد و این به نفع ترکیه است (Dalay, 2022). حمایت ترکیه از اوکراین برای این است که به آمریکا و متحدانش در ناتو نشان دهد که ترکیه به عنوان یک شریک

<sup>۱</sup> - Dalay

قابل اعتماد برای آنها در جریان دفاع جمعی باقی می‌ماند (Mankoff, 2022). این کشور همواره به دنبال این بوده است که در روابط با روسیه به عنوان یک ابرقدرت توازن و تعادل را به دست آورد و از نفوذ بیش از اندازه این کشور در منطقه بکاهد. به نظر می‌رسد این جنگ زمینه لازم را برای ترکیه فراهم کرده است تا در مناسبات خود با روسیه استفاده لازم را ببرد. ترکیه ضمن محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین و اعلام همبستگی خود با این کشور بی‌طرفی خود را نیز حفظ کرده است که به این کشور کمک می‌کند تا از این وضعیت بشتترین منفعت را کسب کند. اردوغان این توانایی را داشته است که هر دو طرف درگیر جنگ خواهان روابط مثبت با ترکیه باشند و این مسئله باعث شده است که برخی ترکیه را برنده غیره منتظره این جنگ بدانند (Ambrosetti, 2023). ترکیه ضمن محدود کردن پروازهای نظامی روسیه در خاک خود پهپادهای ساخت خود را به اوکراین صادر کرد. از سوی دیگر با توجه به اینکه عضوی از اتحادیه اروپا نیست به تحریم‌های این اتحادیه بر علیه روسیه نپیوسته است. اردوغان در پاسخ به انتقادهای مقامات اتحادیه اروپا معتقد است که این تحریم‌ها کمکی به اوکراین نمی‌کنند بلکه خود جنگ را گسترش می‌دهد (Ceylan and Spicer, 2022).

از سوی دیگر ترکیه اعلام کرده که هرگز الحاق سرزمین‌های اوکراین به روسیه را به رسمیت نمی‌شناسد. همچنین برای مبادله زندانیان بین دو کشور میانجی‌گری کرده و برای امکان ارسال غلات اوکراین از طریق دریای سیاه تسهیل‌گری می‌کند (Jenkins, 2023). رفتار و اقدامات ترکیه در برابر این جنگ کاملاً حساب شده و مناسب با منافع استراتژیک این کشور بوده و یادآور این ضرب‌المثل معروف فارسی است که «یکی به نعل و یکی بی میخ می‌زند». ترکیه نشان داده است که برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود از هر اتفاقی در منطقه بهره‌برداری می‌کند. اما تا کجا می‌تواند این تظاهر به بیطرفی را حفظ کند؟ ترکیه در آینده نمی‌تواند این بیطرفی ظاهری خود را حفظ کند، چرا که تحت فشار بی‌امان اتحادیه اروپا و آمریکا مجبور به موضع‌گیری خواهد شد. با توجه به انتخاب مجدد اردوغان نشانه‌های ترک موضع بی‌طرفی ظاهری این کشور در حال آشکار شدن است که می‌توان به دیدار اردوغان با زلنسکی و حمایت از پیوستن

اوکراین به ناتو و موافقت ترکیه با انتقال رهبران گردان آزوف از ترکیه به اوکراین اشاره کرد که اعتراض مسکو را در پی داشته است.

### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تجزیه و تحلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه پس از انتخابات ۲۰۲۳ بود. سیاست خارجی ترکیه تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است. به خصوص از دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه دو راهبرد مهم «سیاست تنش صفر با همسایگان» و «سیاست مداخله در امور داخلی برخی از همسایگان» در دستور کار قرار گرفته است که هیچ کدام از آنها نتوانستند ترکیه را به اهداف خود برسانند. بنابراین ترکیه با بهره‌گیری از تجربه گذشته و با درک شرایط و موقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به راهبرد «همه‌جانبه‌نگری متعادل و متوازن» در سیاست خارجی خود روی آورده است. این راهبرد می‌تواند ترکیه را به اهداف از پیش تعیین شده خود در حوزه سیاست خارجی برساند. بر این اساس ترکیه با نگاهی واقع‌گرایانه از شرایط خود و منطقه و همچنین پویای‌های سیاسی در سطح بین‌المللی چهار دستورکار را برای خود تعیین کرده است. دستور اول پیگیری اجرای سیاست‌های پوپولیستی است. اردوغان به عنوان یک شخصیت پوپولیست قانع شده است که می‌تواند بخشی از مشکلات داخلی و خارجی خود را با این سیاست حل کند، چرا که تجربه بیست ساله این را به او می‌گوید که پوپولیسم همچنان کارساز است. دستور دوم گسترش روابط با کشورهای همسایه است. ترکیه با همسایگانش مشکلات زیادی داشته است که مجبور است آنها را به صفر برساند و هر چه بیشتر بر همکاری و مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی با همسایگان تأکید کند. ترکیه یک اقتصاد رو به رشد است، پس به نفت و گاز ایران احتیاج دارد و از سوی دیگر به ایران در برخی از مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی کمک می‌کند. برای دفع خطر گروه‌های تروریستی کرد در شمال عراق حضوری اشغالگرانه دارد و برای حل مشکلات مهاجران سوری در ترکیه به دنبال راهی برای بازگشت آنها به وطنشان است. دستور سوم ترمیم روابط با اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل است. هم ترکیه و هم جهان غرب به نقش استراتژیک این کشور در حل مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی آگاه هستند. ترکیه می‌داند که بدون ارتباط با آمریکا نمی‌تواند اقتصاد و سیاست مورد دلخواه خودش

را سامان دهد و حضور در ناتو برای او امتیاز امنیتی مهمی تلقی می‌شود. از سوی دیگر همچنان به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا خواهد بود اما این مسئله به راحتی انجام نخواهد شد، چرا که اتحادیه اروپا به استانداردهای خودش در حوزه آزادی، دموکراسی و حقوق بشر تأکید دارد. در رابطه با اسرائیل ترکیه به پیروی از آمریکا سعی می‌کند روابط متعادلی را با این رژیم داشته باشد. دستور چهارم حفظ تظاهر به بیطرفی در جنگ بین روسیه و اوکراین است. برخی معتقدند ترکیه قلبا طرفدار اوکراین است تا بتواند از قدرت روسیه بکاهد، اما معلوم نیست ترکیه تا کجا بتواند این بی‌طرفی ظاهری را حفظ کند، چرا که فشارهای غرب برای کنار گذاشتن این موضع بر ترکیه روز به روز بیشتر می‌شود و ترکیه با توجه به جریان جنگ در آینده تصمیم خواهد گرفت که در کدام طرف بایستد. به هر حال نتایج نشان می‌دهند که ترکیه به دنبال اجرای راهبرد «همه جانبه نگری متعادل و متوازن» در سیاست خارجی خود است.

#### منابع

- Adib, K. (2013). *A Brief History of Iraq*, Beirut, Dar al-Farabi. [In Arabic]
- AKÇAY, E. Y., & DEMIRCIÖGLU, F. (2022). "MIGRATION DIPLOMACY AS A FOREIGN POLICY TOOL IN TÜRKİYE: A COMPARATIVE ANALYSIS". *Codrul Cosminului*, 28(2), Pages 377-400.
- Aksan, S. (2020) "Türkiye'nin Dengeleri Değiştiren" 'Akıllı' Güçleri", June 13. available at: <https://www.trthaber.com/haber/gundem/turkiyenin-dengeleri-degistiren-akilli-gucleri-464984.html>
- ALİO, I. H. (2023). "TÜRKİYE'S FOREIGN AID TO AFRICA UNDER AK PARTY: A CONSTRUCTIVIST APPROACH". *Akdeniz Havzası ve Afrika Medeniyetleri Dergisi*, 5(1), Pages 45-58.
- Ambrosetti, E T. (2023). "Turkey's Neutral Stance in Ukraine: How Sustainable Will It Be"? Available at: <https://www.ispionline.it/en/publication/turkeys-neutral-stance-in-ukraine-how-sustainable-will-it-be-116700>
- Amini, A, and Zabihi, R. (2011). "The structure of the international system and the mobility of Erdogan's government's foreign policy in the Middle East". *Political Studies*, 13(4), Pages 126-97. [In Persian]
- Arne, S & S, Neset. (2019). "Turkey's international relations. CMI Report". available at: <https://www.cmi.no/publications/6853-turkeys-international-relations>
- Aydin, M. (2020). "Grand strategizing in and for Turkish foreign policy: Lessons learned from history, geography and practice". *Perceptions: Journal of International Affairs*, 25(2), Pages 203-226.

- Bashir, Kh. (2016). "The Milli Charter. What is the story of the map on which Turkey bases its expansionist ambitions?", al-Hafriat, Available at: <https://bit.ly/3bRicY9>. [In Arabic]
- Beriş, H. E. (2023). "Key Issues in Turkish Politics before the 2023 Elections". *Insight Turkey*, 25(1), Pages 125-146.
- Brieck, Jennings R, (2013), "Turkey and Saudi Arabia: A Comparative Arab Spring", Available at: <http://www.sandiego.edu/cas/documents/polisci/BrieckPOL596paper.pdf>.
- Cagaptay, S. (2014). *The rise of Turkey: the twenty-first century's first Muslim power*. Potomac Books, Inc..
- Ceylan, A. & Spicer, J. (2022). "Turkey seeks Ukraine peace talks despite western actions, Erdogan says," available at: <https://www.reuters.com/world/turkey-seeks-ukraine-peace-talks-despite-western-actions-erdogan-says-2022-11-12/>.
- Ciftci, S. (2023). "Military might: a domestic economy explanation of Turkish foreign policy". *Turkish Studies*, Pages 1-24.
- Cook, A. (2023). "Here's How to Read Turkey's Election Results—So Far". available at: <https://www.cfr.org/in-brief/heres-how-read-turkeys-election-results-so-far>
- Cook, S. A., & Ibish, H. (2019). "Turkey's Resurgence as a Regional Power Confronts a Fractured GCC". available at: <https://agsiw.org/turkeys-resurgence-as-a-regional-power-confronts-a-fractured-gcc/>
- Coşkun, A. (2023). "Erdogan's Next Fight". available at: <https://carnegieendowment.org/2023/06/01/erdo-s-next-fight-pub-89873>
- Cook, S. A. (2018). *Neither Friend nor Foe: The Future of US-Turkey Relations*. Council on Foreign Relations.
- Dalay, G. (2022). *Ukraine's wider impact on Turkey's international future*. The Royal Institute of International Affairs, London, 10.
- Dinçer, Osman Bahadr & Mehmet Hecan, (2016), "The Changing Geostrategy of Turkey's Foreign Policy Along its Southern Border", Institute for Strategic Dialogue, available at: [https://www.isdglobal.org/wp-content/uploads/2016/07/ISDJ4677\\_Turkey\\_R2\\_WEB.pdf](https://www.isdglobal.org/wp-content/uploads/2016/07/ISDJ4677_Turkey_R2_WEB.pdf)
- Erşen, Emre and Seçkin Köstem (2019), *Turkey's Pivot to Eurasia; for International Political Studies (ISPI), First Edition. Geopolitics and Foreign Policy in a Changing World Order*,
- Gohari Moghadam, A, and Madadlo, R. (2016). "The roots of Ottomanism in Turkish foreign policy (2002-2015)". *Strategic Policy Research*, 5(17 (series 47)), Pages 121-143. [In Persian]
- Golmohammadi, V. (2021). *Transformation in Turkey's Strategic Culture and its National Security Doctrine; A Pivotal Turn or Balancing in Foreign Policy?*. *Strategic Studies Quarterly*, 24(92), Pages 73-104. [In Persian]
- Golmohammadi, V. (2021a). *Turkish-Russian Relations in the Post-Western World; from Geopolitical Rivalry to Strategic Partnership*. *Central Eurasia Studies*, 14(1), Pages 353-376. doi: 10.22059/jcep.2021.312904.449958. [In Persian]

- Golmohammadi, V. (2022). The Crisis in Transatlantic Relations and the Rise of Eurasianism in Turkish Foreign Policy. *Geopolitics Quarterly*, 18(65), Pages 259-288. [In Persian]
- Haji Yousefi, A M, and Imani, H. (2011). "Developments in Turkish-Israeli relations in the last decade and its consequences for Iran". *Foreign Relations*, 10(3), [In Persian]
- Haji Yousefi, A M. (2002). "Waltz's Theory and Iran's Foreign Policy: A Comparative Study of the Cold War and Post-Cold War Eras". *Foreign Policy*, year 16, number 4, Pages 1005-1030. [In Persian]
- Han, X. (2022). "Changes in Türkiye's Perception of International Regions and Main Reasons". In *SHS Web of Conferences* (Vol. 148, p. 03041). EDP Sciences.
- Haugom, L. (2019). Turkish foreign policy under Erdogan: A change in international orientation?. *Comparative Strategy*, 38(3), Pages 206-223.
- Heidarzadeh, T., Haji Mineh, R., & Shafiee, N. (2021). Explaining Russia-Turkey Relations in the Syrian Crisis from the perspective of contingent realism. *World Politics*, 9(4), Pages 189-218. doi: 10.22124/wp.2021.17871.2636. [In Persian]
- Huseynov, Y. (2017). "Geopolitics of the Republic of Turkey's Energy Policy". *International Journal of Energy Economics and Policy*, 7(3), Pages 337-344.
- International Orientation"?, *Comparative Strategy*, Vol. 38, No. 3, Pages
- İşyar G. (2017), *Suriye Krizi ve Türk Dış Politikası*, Hipotez Yayıncılık, Bursa, s. Pages 2-7.
- Jane, M. (2020). "Rusya Federasyonu'nun Trans-Kafkasya Politikasının Analizi: Süreklilik Mi Dönüşüm Mü?" (Doctoral dissertation, Bursa Uludag University (Turkey)).
- Jenkins, Brian Michael. (2023). "Consequences of the War in Ukraine: Two Areas of Contention—Turkey and the Balkans". Available at: <https://www.rand.org/blog/2023/03/consequences-of-the-war-in-ukraine-turkey-and-the-balkans.html>
- Kadir Has Üniversitesi (2019), "Türk Dış Politikası Kamuoyu Algıları Araştırması", "Türkiye Çalışmaları Merkezi", available at: <https://www.khas.edu.tr/sites/khas.edu.tr/files/inline-files/TDP-2019.pdf>
- Karaca, B. B., & Köksal, B. (2022). "The Analysis of Turkish Foreign Policy in Syria: A Neoclassical Realist Perspective". *Przegląd Strategiczny*, (15), Pages 43-58.
- Khoury, Philips(1987), "Suriya and French Mandate," IB. Tauris and CO. LTD Publisher, London.
- Kuru, A. T. (2015). "Turkey's failed policy toward the Arab Spring: Three levels of analysis". *Mediterranean Quarterly*, 26(3), Pages 94-116.
- Kydd, A. H. (2007). *Trust and mistrust in international relations*. Princeton University Press.
- Lindenstrauss, G., & Kıvıncı, S. K. (2014). "Turkish-Hamas relations: Between strategic calculations and ideological affinity". *Strategic Assessment*, 17(2), Pages 7-16.

- Mankoff, J. (2022). "Turkey's Balancing Act on Ukraine Is Becoming More Precarious. Foreign Policy". available at: <https://foreignpolicy.com/2022/03/10/turkey-ukraine-russia-war-nato-erdogan/>
- Mohapatra, N. K. (2017). "Energy security paradigm, structure of geopolitics and international relations theory: from global south perspectives". *GeoJournal*, 82, Pages 683-700.
- Moshirzadeh, H. (2014). *Evolution in international relations theories*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Mushfeq, Z. (1401). "A look at the dimensions and achievements of economic and cultural diplomacy in Turkey". *Scientific Monthly "Economic Security"*, 9(11), Pages 71-93. [In Persian]
- Namini Mianaji, Jalaluddin (22/08/2020). "Türkiye's multi-layered goals in Libya", extraction date: 13/09/2023. <https://www.ipis.ir/portal/newsview/607626/>
- Niakooee S, and Behmanesh, H. (2011). "Opposing actors in the Syrian crisis: goals and approaches". *Foreign Relations Quarterly*. Year 4. Number 4. Pages 136-97. [In Persian]
- Oraf, M, and Qureshi, S Y. (1401). "Turkish Public Diplomacy in Peripheral Regions: From Cyberspace to Branding". *Central Asia and Caucasus Studies*, 119(28), Pages 31-62. [In Persian]
- Pashang, A, and Zomorodi, Z. (2013). "Investigating the political developments of Iraq in the light of the foreign policy of Iran, Turkey and Saudi Arabia". *Foreign Policy Quarterly*, 28(3), Pages 477-499. [In Persian]
- Perthes, V. (2010). "Turkey's role in the Middle East: an outsider's perspective". *Insight Turkey*, Pages 1-8.
- Pirmohammadi, S., Niakooee, S. A., & Simbar, R. (2021). The role of Non-state armed actors in the policies of Iran, Turkey and Saudi Arabia in the Middle East. *Iranian Journal of Public Policy*, 7(3), Pages 193-211. doi: 10.22059/jppolicy.2021.83374. [In Persian]
- Relations", Council on Foreign Relations, Special Report No. 82, Pages 1-
- Rezaei, A. (2008). "A favorable and efficient explanation of foreign policy in the framework of the international system". *Development Strategy*, 14(1), Pages 181-208. [In Persian]
- Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W., & Lobell, S. E. (2016). *Neoclassical realist theory of international politics*. Oxford University Press. Routledge.
- Sahari, S., & Zulkifli, N. (2023). "THE RISE OF TURKEY: IMPACT TOWARDS REGIONALISM". *Zulfaqar Journal of Defence Management, Social Science & Humanities*, 6(1).
- Samiei Esfahani, A., & Farahmand, S. (2022). *Erdoğanism; Populism as a "Political Strategy*. *Journal of Political Sociology of Islamic World*, 10(21), Pages 167-196. doi: 10.22070/iws.2023.16456.2213. [In Persian]
- Satch, P, and Elias, J. (2014). *Foundations of international relations*. Translated by Majid Mohammad Sharifi. Tehran: Mizan. [In Persian]



- Talbot, Valeria (2018), Turkey: Towards a Eurasian Shift, The Institute  
The 'National Pact' message from President Erdoğan (2016). Hurriyet, 19 of  
October, Available at: <https://bit.ly/3qlab6f>. [In Turkish]
- Viotti, Paul R., & Kauppi, Mark V. (1999), International Relations Theory (3rd  
ed.), Boston: Allyn and Bacon.
- Walker, J. W. (2007). "Learning strategic depth: implications of Turkey's new  
foreign policy doctrine". Insight Turkey, Pages 32-47.
- Waltz, K. N. (1979). Theory of international politics. New York N: McGraw-  
Hill.
- Waltz, K. N. (1996). "International politics is not foreign policy". Security  
Studies, 6(1), Pages 54-57.
- Yıldırım, S. (2023). "Directions and Characteristics of Turkey's Regional  
Foreign Policy". Вестник КазНУ. Серия международные отношения  
и международное право, 102(2), Pages 22-36.

۲۹۳



سیاست جهانی